



## **The view of the Iranian elites on the differences between the United States and Europe under Trump**

Mohammad Reza Dehshiri<sup>1</sup>- Zahra Emami<sup>2</sup>- Milad Elahi Nia<sup>3</sup>

### **Abstract**

Trump's unilateralist policies, with the slogan "Make America Great Again" were met with dissatisfaction from European allies as the European Union seeks to establish itself as an independent global player and gain international standing, and is willing to comply with its policies. The United States is not unilateral. In the meantime, it seems that the differences and divergence of the two sides provided a good opportunity to secure Iran's national interests after Trump's withdrawal from JCPOA and the imposition of unilateral US sanctions; although in practice such a result was not achieved. This present study, using a combination of libraries and questionnaires with SPSS statistical analysis, seeks to answer the question, why despite the differences between the United States and Europe during the Trump era, it was not possible to ensure Iran's strategic interests in exploiting the differences between the two actors? The findings show that despite differences between the United States and Europe under Trump in areas such as the US withdrawal from Afghanistan, the withdrawal of the Paris environmental treaty and JCPOA, the Brexit, unconditional support for Saudi Arabia, transatlanticism, NATO, Russia and EU relations, US unilateralism has not been able to secure Iran's national interests because the unanimity of European and American leaders' perceptions of each other and their understanding of Europe and the United States' position in the international system has provided the basis for Iran's strategic limitation in regional and international operations.

---

<sup>1</sup> Professor at the Faculty of International Relations, Ministry of Foreign Affairs, Tehran, Iran  
**Mohammadreza-dehshiri@yahoo.com**

<sup>2</sup> M.A of Middle East and North Africa Studies Mofid University of Qom, Iran.  
**Z.emami1393@yahoo.com**

<sup>3</sup> M.A of Middle East and North Africa Studies Mofid University of Qom, Iran.  
**Www.elaheeniamilad@gmail.com**



## نگاه نخبگان ایرانی به اختلافات آمریکا و اروپا در دوران ترامپ

محمد رضا دهشیری<sup>۱</sup> - زهرا امامی<sup>۲</sup> - میلاد الهی نیا<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۰

### چکیده

سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه ترامپ با شعار «عظمت را به آمریکا برمی‌گردانیم» با بروز و ایجاد نارضایتی از سوی متحدان اروپایی همراه شد چراکه اتحادیه اروپا به دنبال احراز هویت مستقل خود به‌عنوان یک بازیگر مؤثر جهانی و کسب جایگاه بین‌المللی است و حاضر به تبعیت و همراهی با سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه آمریکا نیست. در این میان به نظر می‌رسد که اختلاف نظر و واگرایی طرفین فرصت مناسبی برای تأمین منافع ملی ایران بعد از خروج ترامپ از برجام و اعمال تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا فراهم کرد گرچه در عمل چنین نتیجه‌ای حاصل نشد. پژوهش حاضر به روش تلفیقی کتابخانه‌ای و پرسش‌نامه‌ای با تحلیل آماری SPSS به دنبال پاسخ به این پرسش است که چرا به‌رغم اختلافات آمریکا و اروپا در دوران ترامپ امکان تأمین منافع راهبردی ایران در بهره‌برداری از اختلافات این دو بازیگر فراهم نشده است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که به‌رغم اختلافات آمریکا و اروپا در دوران ترامپ در زمینه‌هایی چون خروج آمریکا از افغانستان، خروج از پیمان زیست‌محیطی پاریس و برجام، برگزیت، حمایت بی‌قید و شرط از عربستان سعودی، فرا‌آتلانتیک‌گرایی، ناتو، روابط روسیه و اتحادیه اروپا و سیاست یک‌جانبه‌گرایی آمریکا، امکان تأمین منافع ملی ایران به این دلیل فراهم نشده است که اتفاق نظر برداشت رهبران اروپایی و آمریکایی از یکدیگر و نیز درک آنان از جایگاه اروپا و آمریکا در نظام بین‌الملل، زمینه محدودسازی استراتژیک ایران در عرصه عملیاتی منطقه‌ای و بین‌المللی را فراهم کرده است.

<sup>۱</sup> استاد دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه. تهران. ایران

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد مطالعات جهان‌گرایی شبه‌قاره هند دانشگاه تهران، ایران (نویسنده‌ی مسئول)

Z.emami1393@yahoo.com

<sup>۳</sup> کارشناس ارشد مطالعات منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا دانشگاه مفید قم، ایران

## واژگان کلیدی: اتحادیه اروپا، ایران، ترامپ، سیاست خارجی، واگرایی

### مقدمه

با به قدرت رسیدن ترامپ، اختلاف نظر بین اتحادیه اروپا و آمریکا در امور جهانی بیشتر شده است. سیاست ترامپ در مورد متحدان آمریکا به خصوص اتحادیه اروپا مبتنی بر عقلانیت اقتصادی و محاسبه سود و زیان است و این باعث شکاف بین این دو متحد سستی شده است. برخلاف سیاست خارجی آمریکا در قبال اتحادیه اروپا که در طول هفتادسال گذشته مبتنی بر تقویت همگرایی و همسویی سیاست‌ها بود اما دوران اختلاف از زمان فروپاشی شوروی و تغییر محیط دوقطبی جهانی آغاز شد که بسیاری از کشورها معتقد به جهان چندجانبه گرایی و عبور از یک‌جانبه گرایی بودند. با این حال سیاستمداران آمریکا نیز تا حدی در برابر این ایده از خود واکنش‌های منعطفی نشان دادند چراکه مسائل جدید بین‌المللی به مشارکت همگانی نیاز داشت و کشورها از جمله آمریکا به تنهایی قادر به حل و رفع آن نبودند. عده‌ای در داخل آمریکا معتقد بودند که می‌توان همچنان اقتدار و هژمونی آمریکا را به‌عنوان قدرت برتر جهان به نمایش گذاشت چراکه قابلیت‌های فعلی آمریکا نیز هنوز با اختلاف از سایر کشورها قرار دارد، این تفکر با ظهور ترامپ و سیاست‌های او نمود عینی یافت. واکنش در برابر این ایده برخلاف تجربه‌ی دوران جنگ سرد بود چراکه اروپا قصد نداشت به‌صورت منفعل و تابعی از سیاست‌های آمریکا باشد بلکه با انتقاد به سیاست‌های آمریکا دنبال بیان ایده‌های خود در مسائل جهانی بود. به عبارتی مسئله یک‌جانبه‌گرایی آمریکا به سبب داشتن قدرت در حوزه‌های نظامی، هسته‌ای، هوافضا، سایبری، اطلاعاتی و صنایع نظامی، اقتصادی و اهرم‌های تدبیر شده در سازمان ملل چون حق و تو قادر به ایجاد مشروعیت و تبعیت از او نبود و اختلافات آمریکا و اروپا در دوران ترامپ در زمینه‌هایی چون خروج آمریکا از افغانستان، خروج از پیمان زیست‌محیطی پاریس و برجام، برگزیت، حمایت بی‌قید و شرط از عربستان سعودی، فرا آتلانتیک گرایی، ناتو، روابط روسیه و اتحادیه اروپا و سیاست یک‌جانبه‌گرایی آمریکا اختلافات تشدید گردید.

در چنین فضایی مسئله هسته‌ای ایران که از زمان بوش یکی از مسائل مهم در سیاست خارجی دولت‌های آمریکا و ایران و از چالش‌های جهانی بود با خروج یک‌جانبه آمریکا از برجام و اعمال تحریم‌های یک‌جانبه یک تهدید علیه منافع ملی ایران و چندجانبه‌گرایی تلقی می‌شد که به‌زعم برخی فضای واگرایی و اختلاف‌نظر اروپا با آمریکا در بحث حمایت از برجام و عدم خروج اروپا از آن فرصتی را می‌توانست فراهم سازد که بهره‌برداری ایران از این فضای اختلاف منجر شود اما آنچه به گفته‌ی مقامات رسمی و همچنین آمارهای بین‌المللی چون آمار اقتصادی نشان می‌دهد این است که نتیجه مطلوب به نفع ایران فراهم نشده است. از همین رو، مقاله حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای ضمن قصد دارد ضمن بررسی مسائل مورد اختلاف آمریکا و اتحادیه اروپا به این پرسش پاسخ دهد که چرا به‌رغم اختلافات آمریکا و اروپا در دوران ترامپ امکان تأمین منافع راهبردی ایران در بهره‌برداری از اختلافات این دو بازیگر فراهم نشده است؟ فرضیه مقاله این است که علی‌رغم وجود اختلافات در زمینه‌هایی چون خروج آمریکا از افغانستان، خروج از پیمان زیست‌محیطی پاریس و برجام، برگزیت، حمایت بی‌قید و شرط از عربستان سعودی، فراتلانتیک‌گرایی، ناتو، روابط روسیه و اتحادیه اروپا و سیاست یک‌جانبه‌گرایی آمریکا، امکان تأمین منافع ملی ایران به این دلیل فراهم نشده است که اتفاق‌نظر برداشت رهبران اروپایی و آمریکایی از یکدیگر و نیز درک آنان از جایگاه اروپا و آمریکا در نظام بین‌الملل، زمینه محدودسازی استراتژیک ایران در عرصه عملیاتی منطقه‌ای و بین‌المللی را فراهم کرده است.

### پیشینه پژوهش

قامت در مقاله «همگرایی و واگرایی اتحادیه اروپا و آمریکا نسبت به ج.ا. ایران» به بررسی وضعیت همگرایی و واگرایی اتحادیه اروپا و آمریکا نسبت به ج.ا. ایران پرداخته است. ایشان در این مقاله بیان می‌کنند که اتحادیه اروپا و آمریکا دارای دو رویکرد نسبت به ج.ا. ایران هستند: در موضوعات سیاسی و امنیتی مانند، انرژی هسته‌ای، تروریسم، امنیت اسرائیل

و حقوق بشر دارای سیاست‌های همگرا هستند اما در موضوعاتی مانند اختصاص سهم بیشتری از بازار ایران، وابستگی به نفت و گاز وارداتی و وارد شدن در فعالیت‌های تولید نفت و گاز، رویکردهای واگرا نسبت به ج.ا. ایران اتخاذ نموده‌اند؛ بنابراین اتحادیه اروپا و آمریکا در مورد مسائل سیاسی و امنیتی، سیاست‌های همگرا و در زمینه‌های اقتصادی و تجاری سیاست‌های واگرا نسبت به ج.ا. ایران دارند (قامت، ۱۳۸۹: ۱۶۸-۱۴۵). رستمی و همکاران در مقاله «تحلیلی بر مناسبات راهبردی اتحادیه اروپا و آمریکا در پرتو توافق هسته‌ای ایران؛ سناریوهای پیشرو» به تحلیل مناسبات راهبردی اتحادیه اروپا و آمریکا در پرتو توافق هسته‌ای ایران و سناریوهای پیشروی آن پرداخته‌اند. نویسندگان بیان می‌کنند که با به قدرت رسیدن ترامپ در آمریکا اختلاف‌نظرهای بین اتحادیه اروپا و آمریکا تشدید شده است. در این راستا آن‌ها درصدد پاسخگویی به این سؤال هستند که چه سناریویی در مواجهه با این موضوع می‌تواند در دستور کار اتحادیه اروپا قرار گیرد؟ آن‌ها ضمن بررسی دیدگاه اروپایی و دیدگاه آمریکاییِ مقابل آن، چهار سناریو را مورد بررسی قرار می‌دهند که عبارت‌اند از: سناریوی اول؛ دور شدن اتحادیه اروپا و آمریکا و واگرایی در روابط فرا آتلانتیک، سناریوی دوم؛ هم‌نوایی و هم‌سوایی با آمریکا، سناریوی سوم؛ متقاعد کردن ترامپ به حفظ برجام ضمن تعهد به هم‌گرایی در روابط فرا آتلانتیک و سناریوی چهارم؛ سیاست کج دار و مریز اروپا و آمریکا در دوره ترامپ. آن‌ها در نهایت سناریوی سوم را بهترین سناریو می‌دانند که می‌تواند منافع اتحادیه اروپا را به بهترین صورت تأمین کند (رستمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۶۵-۲۳۹).

### مبانی نظری

توجه به برداشت رهبران کشورها از اختلاف‌نظر در ساختار نظام بین‌الملل و تلفیق سطح تحلیل خرد و کلان همواره مورد توجه کشورها و نظریه‌پردازان عرصه روابط بین‌الملل بوده است. در این راستا واقع‌گرایی نوکلاسیک معتقد است که رفتار دولت‌ها نمی‌تواند به تنهایی از طریق به کار بردن سطح تحلیل ساختاری توضیح داده شود و باید از متغیرهای سطح

فردی و حکومتی داخلی نیز برای تبیین رفتار دولت‌ها استفاده شود (قوام، ۱۳۹۰: ۳۰۸). بر این اساس تحلیل سیاست خارجی باید شامل عوامل سیستمیک، داخلی و فردی باشد به طوری که تأثیر هر یک از این عوامل بر ابعاد مختلف سیاست خارجی را تبیین کند (Taliaferro, 2000-1: 4).

نو کلاسیک‌ها معتقد به آنارشیک بودن نظام بین‌الملل هستند اما آن‌ها آنارشی را متغیر علی ندانسته بلکه شرط تسهیل‌کننده آن می‌دانند. همچنین تأکید بیشتر آن‌ها در مورد انگیزه رفتار دولت‌ها بر نفوذ طلبی است تا امنیت‌جویی و قدرت‌طلبی. برخی از آن‌ها نیز به گروه-های انسانی به‌عنوان منشأ هویت و شکل اصلی کنشگر در تعاملات انسانی تأکید می‌کنند. نو کلاسیک‌ها هم به عوامل عینی و هم به عوامل ذهنی در تحلیل سیاست خارجی توجه می‌کنند؛ زیرا بر آن‌اند که تعامل عوامل عینی و ذهنی جوهره سیاست خارجی را تعریف می‌کند. برخی از آن‌ها نیز به گروه‌های انسانی به‌عنوان منشأ هویت و شکل اصلی کنشگر در تعاملات انسانی تأکید می‌کنند (مشیرزاده، ۳۴-۳۲: ۱۳۹۶). بر اساس واقع‌گرایی نو کلاسیک آنچه در کنار شرایط ساختاری خاص، رفتار دولت‌ها را تعیین می‌کند، ترجیحات و برداشتهای نخبگان است. بر این اساس ترجیحات و برداشتهای ذهنی دولتمردان و در درجه پایین مخاطره‌پذیری آن‌ها می‌تواند مانع اتخاذ سیاست موازنه در برابر قدرت تجدیدنظرطلب شود (مشیرزاده، ۴۰: ۱۳۹۶). نو کلاسیک‌ها قدرت را توانمندی حکومت‌ها قلمداد می‌کنند که برای حصول به اهداف خود آن‌ها را به کار می‌برند. بر این اساس قدرت هم وسیله است و هم هدف (Schweller, 2000: 174). آن‌ها بعد ادراکی از قدرت یا برداشت تصمیم‌گیرندگان از قدرت را در نظر می‌گیرند. در این راستا قدرت در صورتی بر روابط بین‌الملل تأثیرگذار است که از طریق ادراکات نمایندگان دولت‌ها صورت گیرد (Wohlforth, 1987: 353). بر این اساس می‌توان گفت که نو کلاسیک‌ها تأثیرگذاری نسبی دولت در نظام بین‌الملل را از طریق ساختار دولت و ادراکات، برداشتهای و برآوردهای تصمیم‌گیرندگان از قدرت نسبی کشور بر سیاست خارجی و راهبرد کشورها

در نظام بین‌الملل را تحلیل می‌کند (دهقانی فیروزآبادی، ۲۷۹: ۱۳۹۰).

بر این اساس هرچند کشورها با طیف وسیعی از گزینه‌های سیاست خارجی روبرو هستند که توسط عوامل سیستمیک تعیین می‌شود، اما گزینه‌هایی که توسط رهبران انتخاب می‌شود، ممکن است محصول عوامل داخلی، یا متغیرهای مداخله‌گر موردنظر واقع‌گرایی نوکلاسیک باشد. در نتیجه، دو کشور با چالش‌های سیستمیک یکسان، سیاست بسیار متفاوتی را با توجه به ویژگی‌های داخلی اتخاذ می‌کنند (تابع افشار و برزگر، ۴۹-۵۱: ۱۳۹۶).

باین‌حال نوکلاسیک با ادغام عوامل سیستمیک و داخلی برای توصیف سیاست خارجی می‌پردازند و «اهمیت و اولویت ادراکات و برداشت‌های رهبران و تصمیم‌گیرندگان اصلی در سیاست خارجی از متغیرهای مادی و قدرت نسبی بیشتر» بوده و آن‌ها را برای اتخاذ سیاست خارجی یکسان رهنمون می‌کند (دهقانی فیروزآبادی، ۲۹۱: ۱۳۹۰). در این راستا همواره جریانی از رقابت و همکاری بین آمریکا و اتحادیه اروپا برقرار بوده و سرنوشت این دو را به یکدیگر پیوند داده است که قابل تفکیک از یکدیگر نیستند. در دوره اوپاما و به‌ویژه ترامپ شاهد فصل جدیدی از روابط بین این دو بوده‌ایم که موجبات واگرایی در روابطشان را موجب شده است و عوامل مختلفی موجب نگرانی‌ها و نارضایتی‌هایی بین این دو نسبت به یکدیگر شده است. با توجه به اینکه در دوران ترامپ روابط اروپا و آمریکا تا حدود زیادی متأثر از ترکیبی از برداشت رهبران اروپایی و آمریکایی از یکدیگر و نیز درک آنان از جایگاه اروپا و آمریکا در نظام بین‌الملل بود لذا نظر به تأثیر عوامل داخلی و سیستمی بر روابط فراتلانتیکی چارچوب نظری مقاله حاضر بر نواقح‌گرایی کلاسیک استوار است. در ادامه به بررسی مهم‌ترین عوامل واگرایی در روابط اتحادیه اروپا و آمریکا در دوره ریاست جمهوری اوپاما و ترامپ می‌پردازیم.

## بررسی شاخص‌های فرضیه

در ادامه به توضیحات شاخص‌های فرضیه پرداخته خواهد شد که شامل:

### ۱- خروج آمریکا از افغانستان

ناتو در سال ۱۹۹۵ م. در جریان بحران یوگسلاوی و جنگ بوسنی و هرزگوین برای اولین بار بعد از جنگ سرد اقدام نظامی کرد. در جریان بحران کوزوو رهبری نیروهای حافظ صلح را به عهده گرفت و مهم‌ترین عملیاتش در افغانستان جریان است. این عملیات اولین مأموریت نیروهای ناتو خارج از محدوده تعریف‌شده آن یعنی اروپا تلقی می‌شود. افغانستان اولین کشوری است که ناتو خارج از قلمرو سنتی خود (اروپا و آمریکای شمالی) به آن وارد شد (بزرگمهری، ۱۳۸۹: ۳۰). با این حال برخی بر این باورند که ملت‌های اروپایی (به‌جز انگلیس)، منافع امنیتی‌شان را مقید به موقعیت افغانستان نمی‌بینند و دلیل حضورشان در افغانستان تعهد آن‌ها به اتحاد با است و ممکن است اتحادیه اروپا و دولت‌های عضو آن در افغانستان، در زمینه نظامی از نقش مسلطی نداشته باشند، اما در قالب اتحادیه و برای تضمین امنیت و ثبات در این کشور مجاب به بودن در کنار آمریکا هستند (نورعلی وند و رکن‌آبادی، ۱۳۹۰: ۱۸۷). برخی دیگر معتقدند که اروپا برای حفظ امنیت خود نیازمند همکاری با آمریکا در افغانستان است؛ بدین ترتیب با ادعای آمریکا برای خروج از اتحادیه اروپا که معتقد است خروج این کشور از افغانستان منجر به بی‌ثباتی و تقویت گروه‌های تروریستی و به خطر افتادن امنیت اروپا می‌شود در نتیجه اختلاف دیدگاه‌ها موجب واگرایی بین طرفین می‌شود.

### ۲- خروج از پیمان زیست‌محیطی پاریس و برجام

ترامپ از جنگ جهانی دوم برخی از اصول اساسی در زمینه روابط فرا‌آتلانتیکی از جمله روابط تجارتي و حمایت از مؤسسات و موافقت‌نامه‌های چندجانبه مانند توافق‌نامه پاریس در مورد تغییر اوضاع و توافق هسته‌ای ایران را به چالش کشیده است (دهشیری و



امامی، ۱۳۹۹: ۳۳). در بین تمامی مسائلی که موجب اختلاف میان اروپا و آمریکا شده است، مسئله ایران اثرگذارترین آن‌هاست که به علت عملکرد اروپا علیه سیاست آمریکا، آن‌ها در کنار روسیه و چین قرار می‌گیرند. در این مسیر اروپا از ابتدا به‌عنوان یک هویت مستقل از اینکه در رسیدن به یک توافق جهانی نقش ایفا کرده است خرسند بود ولی در نهایت پس از انتخاب ترامپ به ریاست جمهوری آمریکا این توافق یک‌جانبه توسط این کشور برهم زده شد (Lewis, 2018: 3). در حالی که باراک اوباما با انتخاب یک مشی چندجانبه‌گرایی، مشارکتی و همگرا، شدیدترین و تحریم‌های جامع بین‌المللی را علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران وضع کرد (Prifti, 2017: 168). فدریکا موگرینی در نشست سیاست هسته‌ای موسسه کارنگی و پس از روی کار آمدن ترامپ در اوایل سال ۲۰۱۷ بیان داشت که می‌دانیم نگاه متفاوتی در واشنگتن است، اما واقعیاتی وجود دارد که نمی‌توان آن‌ها را انکار نمود. از سرگیری تقابل میان قدرت‌های جهانی، به نفع هیچ‌کس نخواهد بود و تنها امنیت طرف‌های درگیر را کاهش خواهد داد (Adebahr, 2017: 2). نگرانی ویژه اتحادیه اروپا، عدم پایبندی به برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) است. به اعتقاد ترامپ برجام بدترین معامله در تاریخ بود است (EU External Action, 2018: 13). سه طرف اتحادیه اروپا در برجام فرانسه، آلمان و انگلیس و خود اتحادیه اروپا معتقدند که برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) در حال کار است و باید ادامه یابد (Reuters, 2018: 18). واشنگتن در مسیر بروز اختلاف بزرگ با کشورهای اتحادیه اروپا به‌ویژه انگلیس، آلمان و فرانسه است. مسئله‌ای که موجب تضعیف رویکرد آمریکا و اتحادیه اروپا در قبال برنامه جامع اقدام مشترک و در نهایت تسلط روسیه و چین بر این بحث می‌شود (Lewis, 2018: 26).

### ۳- برگزیت

در موضوع برگزیت که مربوط به دوره ریاست جمهوری اوباما و ترامپ در آمریکا است، این رویکرد نسبت به این مسئله تا حدودی متفاوت بوده است. در این چارچوب می‌توان به سفر اوباما به انگلستان اشاره نمود که در سال ۱۳۹۵ صورت گرفت و در اصل در راستای

اثر بخشی بر نتایج رفتارندوم خروج انگلستان از اتحادیه اروپا به نفع طرفداران ادامه حضور در اتحادیه و همچنین تأکید مجدد بر روابط راهبردی دو کشور صورت گرفت؛ اما نکته‌ای که نشان از پابندی بر همکاری و همگرایی دو کشور دارد این است که با وجود نگاه منفی اوپاما نسبت به برگزیت اما در رابطه با بحران لیبی، مجدداً روابط دو کشور نزدیک شد. نگرانی اوپاما این بود که در صورت وقوع برگزیت، نفوذ آن کشور در اتحادیه اروپا کاهش یابد؛ اما بریتانیایی‌ها درصدد بودند تا این واقعیت را به آمریکایی‌ها بقبولانند که بریتانیا تمایل و توانایی آن را دارد تا به تردیدهای آمریکا در خصوص برگزیت و تداوم رابطه ویژه و تعهدات آن کشور در این خصوص پاسخ دهد. اگرچه اعلام مواضع آشکار مقامات آمریکایی نگرانی‌های جدی پیش روی حامیان رابطه ویژه در بریتانیا قرار داده بود اما با این وجود و با پیروزی برگزیت، بریتانیایی‌ها چرخشی غیرقابل تصور در اظهارات و نگاه دولتمردان آمریکایی شاهد بودند (Dyer et al, 2016: 26). با به قدرت رسیدن ترامپ، اختلاف نظر بین اتحادیه اروپا و آمریکا در امور جهانی بیشتر شده است. سیاست ترامپ در مورد متحدان آمریکا به خصوص اتحادیه اروپا مبتنی بر عقلانیت اقتصادی و محاسبه سود و زیان است و این باعث شکاف بین این دو متحد سنتی شده است (Special Report 2016: 13).

#### ۴- حمایت بی‌قید و شرط از عربستان سعودی

از صحنه خارج شدن پان عربیسم، به عنوان گفتمان غالب در جهان عرب و اضمحلال کمونیسم در صحنه جهانی، به یک باره دو دشمنی را که ظرفیت‌های نظامی و ایدئولوژیکی به خطر انداختن عربستان را داشتند، از بین برد. برخلاف گذشته که عربستان امنیت خود را در وهله اول سد کردن فعالیت‌ها و سیاست‌های کشورهای رهبران پان عرب تعریف می‌کرد، امروزه امنیت برای رهبران عربستان سعودی به طور متفاوتی تعریف شده است. سیاست‌های تدافعی برای تضمین امنیت، جای خود را به خط‌مشی‌های تهاجمی و کنش گرایانه داده است. فضای بین‌المللی و محیط منطقه‌ای به شدت مستعد این تغییر استراتژی

بوده است. بکه تازی آمریکا در صحنه جهانی که به دلایل متفاوت به چالش جدی به وسیله روسیه و چین گرفتار نشده است، این امکان را به وجود آورده که اقدامات عربستان و سیاست‌های این کشور در منطقه تقریباً از انتقادهای سیستم بین‌المللی مصون بماند. از بین رفتن اقتدار و مشروعیت گفتمان پان‌عریسم و به حاشیه رانده شدن کشورهای هم‌تراز و یا قدرتمند در جهان عرب، منجر به ایجاد فضای خالی قدرتی شده که عربستان امکان پر کردن آن را یافته است. آمریکا در راستای منافع خود دریافته که از این نقش جدید عربستان سعودی حمایت کند؛ چراکه هزینه‌های آمریکا را برای تحقق سیاست‌های خود در منطقه کاهش داده است و در بسیاری از موارد نیز چون این سیاست‌ها به وسیله عربستان انجام می‌شود، منجر به کاهش واکنش‌های منفی به وسیله توده‌های عرب شده است (بهادر خانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۶). عمدتاً سه مسئله «تضمین جریان آزاد انرژی، تضمین برتری اسرائیل و تضعیف موقعیت منطقه‌ای ایران در قبال هم‌پیمانان منطقه‌ای» در اولویت سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا است. در همین راستا در سطح منطقه‌ای و حوزه‌ی نظامی اسرائیل و عربستان دولت ترامپ را تشویق می‌کنند که موضع تندی نسبت به ایران اتخاذ کند و حتی از حمله نظامی آمریکا به ایران حمایت می‌کنند (موسوی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳۱). البته سابقه منطقه‌گرایی آمریکا به دکتربین نیکسون (استراتژی دو ستونه‌ی ایران و عربستان) برمی‌گردد (همان: ۱۳۶) از آنجا که آمریکا تلاش دارد تا ایران را در محور اصلی تعارض خود قرار دهد عربستان نقشی محوری در مقابله با ایران از طریق سازوکارهای بحران‌ساز دارد؛ و عربستان با نظامی‌گری، ائتلاف با آمریکا و بحران‌سازی در صدد محدودسازی قدرت منطقه‌ای و ژئوپلیتیکی ایران است. جنگ‌های نیابتی بخشی از واقعیت سیاست‌گذاری راهبردی عربستان در راستای نیل به نقش رهبر منطقه‌ای است. البته عربستان نیز برای نقش‌آفرینی منطقه‌ای و تأثیرگذاری بر آن نیازمند هماهنگی با بازیگران اصلی سیاست بین‌المللی و بعضاً دنباله‌روی محض از آنهاست. بر اساس نگرش والت، کشورهای همانند آمریکا از الگوی

رویاری هویتی و تضادهای ژئوپلیتیکی در فضای منطقه‌ای بهره می‌گیرند (همان: ۱۴۴-۱۴۳). بدین ترتیب حمایت‌های آمریکا از عربستان شامل:

- فروش تسلیحات و تجهیزات پیشرفته
- سرپوش گذاشتن بر جنایات نظامی و مسائل حقوق بشر
- پشتیبانی از مواضع عربستان در تنش‌زایی در منطقه خاورمیانه
- ترغیب و تشویق عربستان برای تقابل با ایران
- اعلام رسمی حمایت درحالی که مجامع بین‌المللی و سازمان ملل او را محکوم می‌کنند.

## ۵- فرا آتلانتیک گرایی و ناتو

در سال ۱۹۹۰ اعلامیه فرا آتلانتیکی روابط اتحادیه اروپا و صادر گردید که بر ارزش‌ها و میراث مشترک تاریخی دو سوی آتلانتیک تأکید داشت و موجب گردید تا بر سیاست‌های اتحادیه اروپا در موضوعات مختلف تأثیرگذار باشد (دهشیری و امامی، ۱۳۹۹: ۳۳). باین حال احیای الگوی قدیمی بازی با مجموع صفر نمی‌تواند تفسیر اروپایی‌ها از الگوی فعلی بین‌المللی در جهانی که درجه بی‌سابقه‌ای از وابستگی منافع ملی وجود دارد باشد. برخلاف سیاست خارجی آمریکا در قبال اروپا که در طول هفتادسال گذشته مبتنی بر تقویت همگرایی بود، ترامپ با انتقاد از این اتحادیه، آن را وسیله‌ای برای پیشبرد منافع اقتصادی آلمان تلقی کرد. به نظر ترامپ وجود این اتحادیه سبب تضعیف اقتصاد آمریکا می‌شود (ایزدی، ۱۳۹۵: ۲). از این رو، ترامپ بعد از برگزیت یک پیشنهاد تجاری ویژه را با بریتانیا مطرح کرد. با انتخاب ترامپ اجرای موافقت‌نامه مشارکت تجاری و سرمایه‌گذاری فرا آتلانتیک میان آمریکا و اروپا با چالش‌هایی روبرو شد (کریمی فرد، ۱۳۹۷: ۲۹۴). از دیدگاه امنیتی همکاری اتحادیه اروپا و برای مبارزه با تهدیدات جهانی مثل تروریسم و جرائم سازمان‌یافته جهانی امری حیاتی است. انتخاب او باما به‌عنوان رئیس‌جمهور یک رویداد مهم

تاریخی است. انتخاب وی به جهانیان نشان داد که یک اقلیت می‌تواند رئیس‌جمهور منتخب باشد (دهشیری و امامی، ۱۳۹۹: ۳۸). با انتخاب ترامپ که مواضع وی با یک‌جانبه‌گرایی هماهنگ است، شاهد تغییر رویکردهای وی نسبت به ناتو بوده‌ایم. ترامپ در وعده‌های انتخاباتی خود بر منسوخ شدن پیمان امنیتی ناتو تأکید می‌کرد و معتقد بود که هزینه استقرار نیروهای ناتو بسیار زیاد است و این هزینه‌ها را می‌توان درجایی بهتر مورد استفاده قرار داد که نشان از تمام شدن مأموریت آمریکا در ناتو است. دیدگاه‌های وی مورد انتقاد بسیاری از نهادهای رسمی و غیررسمی و سیاستمداران قرار گرفت، چراکه ناتو فراتر از عملکرد امنیتی آن، در رشد اقتصادی، ثبات سیاسی و شکوفایی کشورهای عضو مؤثر است. با این وجود همچنان تضعیف ناتو به عنوان بازوی نظامی بلوک غرب، می‌تواند یکی از عوامل اصلی واگرایی اتحادیه اروپا و آمریکا باشد (همان: ۳۹). برخی از اندیشمندان اروپایی در زمینه آینده روابط آمریکا و اروپا نظریات مختلفی داده‌اند. از آن جمله می‌توان به دیوید اوون اشاره کرد که پست‌های سیاسی مختلفی را در دولت بریتانیا بر عهده داشته است. او معتقد است که برداشت اروپایی‌ها نسبت به آمریکایی‌ها خوش‌بینانه نیست و معتقد است که اروپایی‌ها به شکل روزافزونی برداشتی خصمانه از آمریکا پیدا می‌کنند. (محمدی نودهکی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۴۵).

## ۶- روابط روسیه و اتحادیه اروپا

نفت خام تا حدود زیادی بر واردات انرژی اتحادیه اروپا با سهم ۶۹ درصدی در سال ۲۰۱۷ مسلط شده است، پس از آن نیز گاز طبیعی با ۲۰ درصد سهم است. این در حالی است که در سال ۲۰۱۷، روسیه بزرگ‌ترین تأمین‌کننده نفت و گاز اتحادیه اروپا، پیش از نروژ بود. همان‌طور که پیش‌بینی می‌گردد اگر وابستگی به انرژی ادامه یابد، اروپا ۹۳ درصد از نفت و ۸۳ درصد از گاز خود در سال ۲۰۳۰ را باید وارد نماید که عمده این واردات از روسیه، نروژ و خاورمیانه خواهد بود. اتحادیه اروپا و روسیه از لحاظ انرژی رابطه وابسته‌ای به یکدیگر دارند که احتمالاً تا ۲۰-۳۰ سال آینده ادامه خواهد داشت (Hoffman, 2018: 212).

بررسی راهبرد امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۱۷ نیز نشان می‌دهند که ترامپ نتوانسته است جبهه ضد روسی مستقر در نهادهای سیاسی و اجرایی آمریکا از جمله کاخ سفید، کنگره، وزارت دفاع و وزارت خارجه را با خود همراه سازد. طبق این راهبرد روسیه در بعضی از عرصه‌ها تهدیدی علیه منافع آمریکا تلقی می‌شود. روسیه درصدد تضعیف نفوذ آمریکا در جهان است. روسیه با تقویت قدرت هسته‌ای و نظامی خود تهدیدی برای آمریکا تلقی می‌شود. علاوه بر تهدیدات هسته‌ای، تهدیدات سایبری نیز از جانب روسیه متوجه آمریکاست (کریمی فرد، ۱۳۹۷: ۲۹۶).

## ۷- سیاست یک‌جانبه‌گرایی آمریکا

در مورد اختلاف دیدگاه و علت بین اروپا و آمریکا کگان معتقد است گاه اختلاف و نابرابری بین آمریکا و اروپا، به‌ویژه در زمینه قدرت نظامی موجب شده که این دو قدرت، دنیا و تهدیدها و خطرهای بالقوه را به‌گونه‌ای متفاوت ببینند. این اختلاف قدرت را به علت دیدگاه‌های متفاوت اروپا و آمریکا درباره روابط بین‌الملل و بیان‌کننده طرفداری اروپایی‌ها از سیاست چندجانبه‌گرایی و متهم شدن آمریکایی‌ها به سیاست یک‌جانبه‌گرایی می‌داند. کگان می‌افزاید که اکنون اروپا پس از جنگ‌های مختلفی که داشته است در حال حرکت به سوی دنیای آکنده از قوانین و مقررات و گفتگوها و همکاری‌های فراملی است؛ اما آمریکا در دنیایی هرج‌ومرج‌طلب هابزی که نیروی نظامی برای دفاع و ترویج نظام لیبرالی از اهمیت بسیاری برخوردار است قرار دارد. آمریکا و اروپا از این نظر، در تغییر اولویت‌های ملی، مشخص ساختن تهدیدها، تعریف چالش‌ها، طراحی و اجرای سیاست خارجی و دفاعی راهشان را کم‌کم از یکدیگر جدا خواهند کرد (محمدی نودهکی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۲)؛ بنابراین یک‌جانبه‌گرایی کاخ سفید در امور جهانی، اولویت دادن به منافع داخلی و بی‌توجهی به منافع کشورها و امنیت جمعی در کنار ناامید کردن افکار عمومی صدای نارضایتی متحدان این کشور را درآورده است.

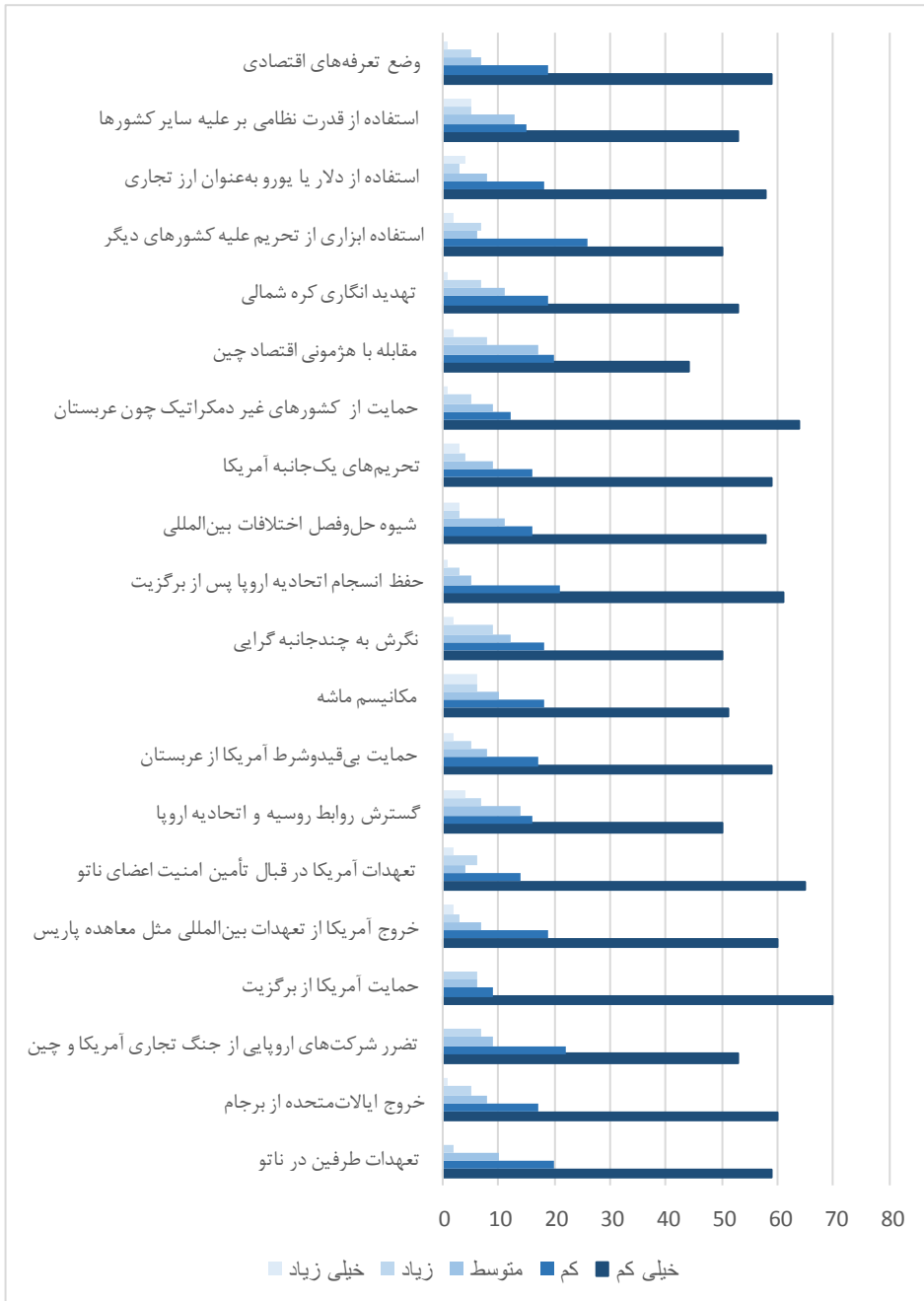
به دنبال چندجانبه گرایی و حمایت از برجام کشورهای اروپایی دور جدیدی از روابط و همکاری‌ها با ایران را از سر گرفتند (رستمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۴۸). عوامل مهمی در بهبود این روابط نقش داشته‌اند که می‌توان به نیاز اقتصادی، امنیت انرژی در حوزه نفت و گاز، بحران مهاجران و حوادث تروریستی اشاره نمود. باین‌حال بحث فعالیت منطقه‌ای ایران و توانمندی موشکی ایران هنوز جز مسائل مشترکی و اتفاق نظر آمریکا و اروپا در محدودسازی استراتژیک ایران است. عواملی هم چون حضور گسترده آمریکا در منطقه خاورمیانه و محیط تهدیدزای پیرامون جمهوری اسلامی و اعمال تحریم‌های بین‌المللی به‌ویژه در زمینه تسلیحات و فناوری‌های سطح بالا و پیشرفته و همچنین بر اساس اصل «دفاع از خود»، سبب گردیده تا ایران ضمن اندیشیدن به خودبستگی در زمینه تسلیحات متعارف، حمله به نقاط ضعف دشمن بر مبنای مقدمات متعارف (مبتنی بر نبرد ناهمگون) را در سیاست دفاعی خود قرار دهد تا از این طریق بتواند با تکیه بر اصل بازدارندگی مانع تهاجم دشمنان خود شود (عسگر خانی، حق‌شناس، ۱۳۹۰: ۸۹). در خصوص فعالیت منطقه‌ای نیز که با تبلیغات اعراب از ایجاد شدن هلال شیعی مطرح می‌شود غرب بیم آن را دارد که دولت‌های نزدیک به آن تحت تأثیر نفوذ گفتمان انقلاب اسلامی ایران دچار دگرگونی شده و با تأسی از ارزش‌های انقلاب ایران تبدیل به جبهه مقابل آن‌ها شود. بدین ترتیب، به سبب این ترس آن‌ها بیش از آنکه بر اختلاف نظر خود در قبال ایران دامن بزنند به سمت اجماع نظر پیشرفته‌اند. فعالیت منطقه‌ای و توانمندی موشکی ایران دو مسئله‌ای است که طرف اروپایی و آمریکایی بر سر آن اشتراک نظر دارد چراکه به‌زعم اروپایی‌ها مسئله‌ای هسته‌ای ایران از طریق برجام محدود شد اما هنوز فعالیت منطقه‌ای و توانمندی موشکی ایران که در حال رشد و توسعه است مهار نشده است که در ادامه به بررسی دقیق‌تر آن پرداخته می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت دلیل همسویی سیاست‌های امریکای ترامپ و اروپا در مورد ایران آن است که هر دو بازیگر، جمهوری اسلامی را در منطقه غرب آسیا تنها بازیگری می‌دانند که می‌تواند به قدرتی بزرگ بدل شود؛ ایران به‌عنوان یک قدرت

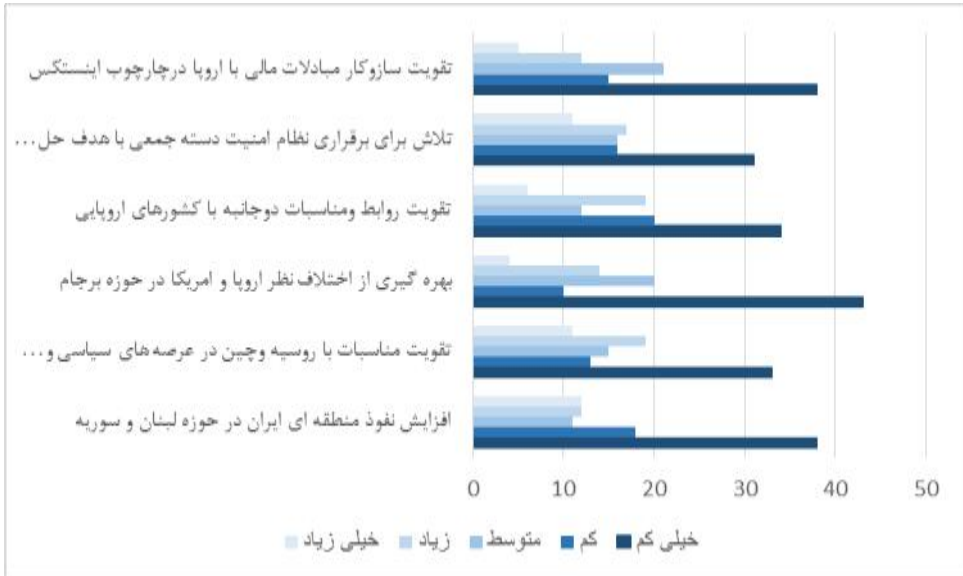
تمدنی، از پتانسیل ژئوپلیتیک، فرهنگی و تاریخی برای احیاء قدرت سنتی خود برخوردار است. پس مهم‌ترین استراتژی برای جلوگیری از قدرت گرفتن ایران که منافع امریکا و اروپا را تهدید نکند، حفظ فشار اقتصادی، جنگ تبلیغاتی، موازنه نظامی و تضعیف مستمر ایران است. هدف آن‌ها ایران ضعیف و درگیر منازعات داخلی و منطقه‌ای است؛ بنابراین علت ناکامی ایران در بهره‌گیری از اختلافات رویکردی اروپا و امریکا آن است که این دو بازیگر در پروژه بزرگ‌تر مهار ایران راهبرد مشترک دارند و تلاش می‌کنند تا از هسته‌ای شدن ایران در وهله نخست جلوگیری کنند و سپس سعی در بهانه‌قرار دادن برنامه هسته‌ای برای تضعیف ایران نمایند.

### **ت) تحلیل آماری**

در جهت بررسی اینکه چرا به‌رغم اختلافات آمریکا و اروپا در دوران ترامپ امکان تأمین منافع راهبردی ایران در بهره‌برداری از اختلافات این دو بازیگر فراهم نشده است؟ داده‌های استخراج‌شده از پرسش‌شوندگان به شرح زیر است:







## روش تحقیق

این پژوهش به لحاظ ماهیت داده‌ها کمی و روش گردآوری داده‌ها میدانی است. برای به دست آوردن پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرون باخ استفاده شد است. آلفای کرون باخ برای سنجش میزان سازگاری درونی گویه ای یک شاخص به کار می‌رود.

$$\alpha = \frac{k}{k-1} \left(1 - \frac{\sum S_i^2}{S_t^2}\right)$$

$k$  = تعداد گویه‌ها یا پرسش‌های شاخص

$S_i^2$  = واریانس نمرات مربوط به گویه شماره  $i$  ام

$S_t^2$  = واریانس جمع نمره‌های هر پاسخگو

در صورتی که ضریب آلفا بیشتر از ۰/۷ باشد، آزمون از پایایی قابل قبولی برخوردار است. ضریب آلفای کرون باخ برای ۲۶ گویه پژوهش حاضر برابر با ۰/۹۶۷ است. با توجه به اینکه مقدار آلفا بیشتر از ۰/۷ است پرسشنامه از اعتبار کافی برخوردار است.

## ج) تجزیه و تحلیل داده‌ها

### ۱- تفکیک نمونه بر حسب متغیر سن

تفکیک متغیر بر حسب سن نشان می‌دهد که ۳۰ نفر (۳۳ درصد) از افراد نمونه زن و ۶۱ نفر (۶۷ درصد) از آن‌ها مرد هستند. بیشترین فراوانی مربوط به جنسیت مرد است.

### ۲- تفکیک نمونه بر حسب متغیر تحصیلات

در این پژوهش، ۲۶ نفر (۲۸/۶ درصد) از افراد نمونه کارشناسی، ۴۱ نفر (۴۵/۱ درصد) کارشناسی ارشد و ۲۴ نفر (۲۶/۴ درصد) از افراد نمونه در سطح دکتری هستند. بیشترین فراوانی مربوط به مقوله کارشناسی ارشد و کمترین فراوانی مربوط به سطح تحصیلات دکتری است.

### ۳- تفکیک نمونه بر حسب وضعیت شغلی

بر اساس یافته‌ها، ۴۲ نفر (۴۶/۲ درصد) از افراد نمونه دانشجویی، ۲۵ نفر (۲۷/۵ درصد) دانشجو، ۱۵ نفر (۱۶/۵ درصد) فرهنگی، ۹ نفر (۹/۹ درصد) اجرایی هستند. بیشترین فراوانی مربوط به دانشجویی و کمترین فراوانی مربوط به شغل اجرایی است.

**ج) پرسش‌های پژوهش:** این پژوهش شامل ۲۶ پرسش است و پاسخ مشارکت‌کنندگان به تفکیک هر سؤال توصیف شده است.

**پرسش ۱:** ۵۹ نفر (۶۴/۸ درصد) از پاسخگویان معتقدند که جمهوری اسلامی ایران از وجود اختلاف اروپا و آمریکا در زمینه میزان تعهدات طرفین در ناتو بهره‌خیزی کمی گرفته است، همچنین ۲۰ نفر (۲۲ درصد) کم، ۱۰ نفر (۱۱ درصد) در حد متوسط و دو نفر (۲/۲ درصد) زیاد معتقدند که جمهوری اسلامی ایران از وجود اختلاف اروپا و آمریکا در زمینه میزان تعهدات طرفین در ناتو بهره‌خیزی گرفته است.

**پرسش ۲:** ۶۰ نفر (۶۵/۹ درصد) از پاسخگویان بهره‌گیری جمهوری اسلامی ایران از وجود اختلاف اروپا و آمریکا در زمینه خروج از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) را خیلی کم ارزیابی کردند، به‌علاوه ۱۸ نفر (۱۸/۷ درصد) در حد کم و ۸ نفر (۸/۸ درصد)

متوسط و ۶ نفر (۶/۶ درصد) بهره‌گیری جمهوری اسلامی ایران از وجود اختلاف اروپا و آمریکا در زمینه خروج از برجام را زیاد و بسیار زیاد می‌دانند.

**پرسش ۳:** ۷۵ نفر (۸۲/۴ درصد) بهره‌گیری جمهوری اسلامی ایران از وجود اختلاف اروپا و آمریکا در زمینه تضرر شرکت‌های اروپایی از جنگ تجاری آمریکا و چین خیلی کم و کم ارزیابی کردند، ۹ نفر (۹/۹ درصد) در حد متوسط و ۷ نفر (۷/۷ درصد) بهره‌گیری جمهوری اسلامی ایران از وجود اختلاف اروپا و آمریکا در زمینه تضرر شرکت‌های اروپایی از جنگ تجاری آمریکا و چین را زیاد می‌دانند.

**پرسش ۴:** تنها ۶ نفر (۶/۶ درصد) معتقد هستند که جمهوری اسلامی ایران زیاد توانسته از وجود اختلاف اروپا و آمریکا در زمینه حمایت آمریکا از برگزیت بهره بگیرد، ۶ نفر (۶/۶ درصد) متوسط، ۹ نفر (۹/۹ درصد) در حد کم و ۷۰ نفر (۷۶/۹ درصد) بهره‌گیری جمهوری اسلامی از وجود اختلاف اروپا و آمریکا در زمینه حمایت آمریکا از برگزیت را بسیار کم ارزیابی کردند.

**پرسش ۵:** ۶۰ نفر (۶۵/۹ درصد) از پاسخگویان معتقدند جمهوری اسلامی ایران بسیار کم توانسته از وجود اختلاف اروپا و آمریکا در زمینه خروج آمریکا از تعهدات بین‌المللی مثل معاهده پاریس بهره بگیرد، همچنین ۱۹ نفر (۲۰/۹ درصد) کم، ۷ نفر (۷/۷ درصد) در حد متوسط، ۳ نفر (۳/۳ درصد) زیاد و دو نفر (۲/۲ درصد) بسیار زیاد معتقدند که جمهوری اسلامی ایران توانسته از وجود اختلاف اروپا و آمریکا در زمینه خروج آمریکا از تعهدات بین‌المللی مثل معاهده پاریس بهره بگیرد.

**پرسش ۶:** ۶۵ نفر (۷۱/۴ درصد) از پاسخگویان معتقدند جمهوری اسلامی ایران بسیار کم توانسته از وجود اختلاف اروپا و آمریکا در زمینه تعهدات آمریکا در قبال تأمین امنیت اعضای ناتو بهره بگیرد، به‌علاوه ۱۴ نفر (۱۵/۴ درصد) در حد کم و ۴ نفر (۴/۴ درصد) متوسط و ۸ نفر (۸/۸ درصد) بهره‌گیری جمهوری اسلامی ایران از وجود اختلاف اروپا و

آمریکا در زمینه تعهدات آمریکا در قبال تأمین امنیت اعضای ناتو را زیاد و بسیار زیاد ارزیابی کردند.

**پرسش ۷:** ۵۰ نفر (۵۴/۹ درصد) از پاسخگویان معتقدند که جمهوری اسلامی ایران خیلی کم توانسته از وجود اختلاف اروپا و آمریکا در زمینه گسترش روابط روسیه و اتحادیه اروپا بهره بگیرد، همچنین ۱۶ نفر (۱۷/۶ درصد) کم، ۱۴ نفر (۱۵/۴ درصد) در حد متوسط، هفت نفر (۷/۷ درصد) زیاد و چهار نفر (۴/۴ درصد) بسیار زیاد معتقدند جمهوری اسلامی ایران توانسته از وجود اختلاف اروپا و آمریکا در زمینه گسترش روابط روسیه و اتحادیه اروپا بهره بگیرد.

**پرسش ۸:** تنها ۷ نفر (۷/۷ درصد) معتقد هستند که جمهوری اسلامی ایران زیاد و بسیار زیاد توانسته از وجود اختلاف اروپا و آمریکا در زمینه حمایت بی‌قید و شرط آمریکا از عربستان بهره بگیرد، ۸ نفر (۸/۸ درصد) در حد متوسط، ۱۷ نفر (۱۸/۷ درصد) کم، ۵۹ نفر (۶۴/۸ درصد) بهره‌گیری جمهوری اسلامی ایران از وجود اختلاف اروپا و آمریکا در زمینه حمایت بی‌قید و شرط آمریکا از عربستان را خیلی کم ارزیابی کردند.

**پرسش ۹:** ۵۱ نفر (۵۶ درصد) از پاسخگویان معتقدند که جمهوری اسلامی ایران خیلی کم توانسته از وجود اختلاف اروپا و آمریکا در زمینه مکانیسم ماشه بهره بگیرد، همچنین ۱۸ نفر (۱۹/۸ درصد) کم، ۱۰ نفر (۱۱ درصد) در حد متوسط، ۶ نفر (۶/۶ درصد) زیاد و ۶ نفر (۶/۶ درصد) خیلی زیاد معتقدند که جمهوری اسلامی ایران توانسته از وجود اختلاف اروپا و آمریکا در زمینه مکانیسم ماشه بهره بگیرد.

**پرسش ۱۰:** ۵۰ نفر (۵۴/۹ درصد) معتقد هستند که جمهوری اسلامی ایران خیلی کم توانسته از وجود اختلاف اروپا و آمریکا در زمینه نگرش به چندجانبه‌گرایی بهره بگیرد، همچنین ۱۸ نفر (۱۹/۸ درصد) کم، ۱۲ نفر (۱۳/۲ درصد) در حد متوسط، ۹ نفر (۹/۹ درصد) زیاد و ۱ نفر (۱/۱ درصد) بسیار زیاد معتقدند که نگرش به چندجانبه‌گرایی به نفع ایران است.

درصد) زیاد و فقط دو نفر (۲/۲ درصد) بهره‌گیری جمهوری اسلامی ایران از وجود اختلاف اروپا و آمریکا در زمینه نگرش به چندجانبه‌گرایی را بسیار زیاد ارزیابی کردند.

**پرسش ۱۱:** ۸۲ نفر (۹۰/۱ درصد) بهره‌گیری جمهوری اسلامی ایران از وجود اختلاف اروپا و آمریکا در زمینه حفظ انسجام اتحادیه اروپا پس از برگزیت کم و خیلی کم ارزیابی کردند، ۵ نفر (۵/۵ درصد) در حد متوسط، ۳ نفر (۳/۳ درصد) زیاد و یک نفر (۱/۱ درصد) بهره‌گیری جمهوری اسلامی ایران از وجود اختلاف اروپا و آمریکا در زمینه حفظ انسجام اتحادیه اروپا پس از برگزیت را خیلی زیاد می‌دانند.

**پرسش ۱۲:** فقط شش نفر (۶/۶ درصد) معتقد هستند که جمهوری اسلامی ایران زیاد و خیلی زیاد توانسته از وجود اختلاف اروپا و آمریکا نسبت به شیوه حل و فصل اختلافات بین‌المللی بهره بگیرد، ۱۱ نفر (۱۲/۱ درصد) در حد متوسط، ۱۶ نفر (۱۷/۶ درصد) کم، ۵۸ نفر (۶۳/۷ درصد) بهره‌گیری جمهوری اسلامی ایران از وجود اختلاف اروپا و آمریکا نسبت به شیوه حل و فصل اختلافات بین‌المللی را بسیار کم ارزیابی کردند.

**پرسش ۱۳:** ۵۹ نفر (۶۴/۸ درصد) از پاسخگویان معتقدند که جمهوری اسلامی ایران خیلی کم توانسته از وجود اختلاف اروپا و آمریکا در زمینه تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا بهره بگیرد، همچنین ۱۶ نفر (۳۰/۱ درصد) کم، ۹ نفر (۹/۹ درصد) در حد متوسط، ۴ نفر (۴/۴ درصد) زیاد و ۳ نفر (۳/۳ درصد) بسیار زیاد معتقدند که جمهوری اسلامی ایران توانسته از وجود اختلاف اروپا و آمریکا در زمینه تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا بهره بگیرد.

**پرسش ۱۴:** ۷۶ نفر (۸۳/۵ درصد) از پاسخگویان بهره‌گیری جمهوری اسلامی ایران از وجود اختلاف اروپا و آمریکا در زمینه حمایت از کشورهای غیر دموکراتیک چون عربستان را کم و خیلی کم ارزیابی کردند، ۹ نفر (۹/۹ درصد) در حد متوسط و ۵ نفر (۵/۵ درصد) زیاد و یک نفر (۱/۱ درصد) بهره‌گیری جمهوری اسلامی ایران از وجود اختلاف اروپا و آمریکا در زمینه حمایت از کشورهای غیر دموکراتیک چون عربستان خیلی زیاد می‌دانند.

**پرسش ۱۵:** ۴۴ نفر (۴۸/۴ درصد) از پاسخگویان معتقدند که جمهوری اسلامی ایران خیلی کم توانسته از وجود اختلاف اروپا و آمریکا در زمینه مقابله با هژمونی اقتصاد چین بهره بگیرد، همچنین ۲۰ نفر (۲۲ درصد) کم، ۱۷ نفر (۱۸/۷ درصد) در حد متوسط، ۸ نفر (۸/۸ درصد) زیاد و ۲ نفر (۲/۲ درصد) خیلی زیاد معتقدند که جمهوری اسلامی ایران خیلی کم توانسته از وجود اختلاف اروپا و آمریکا در زمینه مقابله با هژمونی اقتصاد چین بهره بگیرد.

**پرسش ۱۶:** ۵۳ نفر (۵۸/۲ درصد) از پاسخگویان معتقدند که جمهوری اسلامی ایران خیلی کم توانسته از وجود اختلاف اروپا و آمریکا در زمینه تهدید انگاری کره شمالی بهره بگیرد، همچنین ۱۹ نفر (۲۰/۹ درصد) کم، ۱۱ نفر (۱۲/۱ درصد) در حد متوسط، ۷ نفر (۷/۷ درصد) زیاد و یک نفر (۱/۱ درصد) خیلی زیاد معتقدند که جمهوری اسلامی ایران توانسته از وجود اختلاف اروپا و آمریکا در زمینه تهدید انگاری کره شمالی بهره بگیرد.

**پرسش ۱۷:** فقط ۹ نفر (۹/۹ درصد) معتقد است که جمهوری اسلامی ایران زیاد و خیلی زیاد توانسته از وجود اختلاف اروپا و آمریکا در زمینه روابط با استفاده ابزاری از تحریم علیه کشورهای دیگر بهره بگیرد، ۶ نفر (۶/۶ درصد) در حد متوسط، ۲۶ نفر (۲۸/۶ درصد) کم و ۵۰ نفر (۵۴/۹ درصد) بهره‌گیری جمهوری اسلامی ایران از وجود اختلاف اروپا و آمریکا در زمینه روابط با استفاده ابزاری از تحریم علیه کشورهای دیگر را بسیار کم ارزیابی کردند.

**پرسش ۱۸:** ۵۸ نفر (۶۳/۷ درصد) از پاسخگویان معتقدند که جمهوری اسلامی ایران خیلی کم توانسته از وجود اختلاف اروپا و آمریکا در زمینه استفاده از دلار یا یورو به عنوان ارز تجاری بهره بگیرد، همچنین ۱۸ نفر (۱۹/۸ درصد) کم، ۸ نفر (۸/۸ درصد) در حد متوسط، ۳ نفر (۳/۳ درصد) زیاد و ۴ نفر (۴/۴ درصد) خیلی زیاد معتقدند جمهوری اسلامی ایران توانسته از وجود اختلاف اروپا و آمریکا در زمینه استفاده از دلار یا یورو به عنوان ارز تجاری بهره بگیرد.

**پرسش ۱۹:** ۶۸ نفر (۷۴/۷ درصد) بهره‌گیری جمهوری اسلامی ایران از وجود اختلاف اروپا و آمریکا در زمینه استفاده از قدرت نظامی علیه سایر کشورها کم و خیلی کم ارزیابی کردند، ۱۳ نفر (۱۴/۳ درصد) در حد متوسط، ۵ نفر (۵/۵ درصد) زیاد و ۵ نفر (۵/۵ درصد) بهره‌گیری جمهوری اسلامی ایران از وجود اختلاف اروپا و آمریکا در زمینه استفاده از قدرت نظامی علیه سایر کشورها را بسیار زیاد می‌دانند.

**پرسش ۲۰:** ۲۰ نفر (۶/۶ درصد) معتقد هستند که جمهوری اسلامی ایران زیاد و خیلی زیاد از وجود اختلاف اروپا و آمریکا در زمینه وضع تعرفه‌های اقتصادی بهره بگیرد، ۷ نفر (۷/۷ درصد) در حد متوسط، ۱۹ نفر (۲۰/۹ درصد) کم و ۵۹ نفر (۶۴/۸ درصد) بهره‌گیری جمهوری اسلامی ایران از وجود اختلاف اروپا و آمریکا در زمینه وضع تعرفه‌های اقتصادی را بسیار کم ارزیابی کردند.

**پرسش ۲۱:** ۵۶ نفر (۶۱/۶ درصد) از پاسخگویان معتقدند که افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران در حوزه لبنان و سوریه خیلی کم موجب کامیابی ایران در بهره‌گیری از اختلافات اروپا و آمریکا خواهد شد، همچنین ۱۱ نفر (۱۲/۱ درصد) در حد متوسط، ۱۲ نفر (۱۳/۲ درصد) زیاد و ۱۲ نفر (۱۳/۲ درصد) خیلی زیاد معتقدند که افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران در حوزه لبنان و سوریه موجب کامیابی ایران در بهره‌گیری از اختلافات اروپا و آمریکا خواهد شد.

**پرسش ۲۲:** ۴۶ نفر (۵۰/۶ درصد) بهره‌گیری از اختلافات اروپا و آمریکا با تقویت مناسبات با روسیه و چین در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی در جهت تأمین منافع ایران را کم و خیلی کم ارزیابی کردند، ۱۵ نفر (۱۶/۵ درصد) در حد متوسط، ۱۹ نفر (۲۰/۹ درصد) زیاد و ۱۱ نفر (۱۲/۱ درصد) بهره‌گیری از اختلافات اروپا و آمریکا با تقویت مناسبات با روسیه و چین در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی در جهت تأمین منافع ایران را بسیار زیاد می‌دانند.

**پرسش ۲۳:** ۴۳ نفر (۴۷/۳ درصد) از پاسخگویان معتقدند که بهره‌گیری از اختلاف نظر اروپا و آمریکا در حوزه برجام خیلی کم موجب کامیابی ایران در بهره‌گیری از اختلافات



اروپا و آمریکا خواهد شد، همچنین ۱۰ نفر (۱۱ درصد) کم، ۲۰ نفر (۲۲ درصد) در حد متوسط، ۱۴ نفر (۱۵/۴ درصد) زیاد و ۴ نفر (۴/۴ درصد) خیلی زیاد معتقدند که بهره‌گیری از اختلاف نظر اروپا و آمریکا در حوزه برجام موجب کامیابی ایران در بهره‌گیری از اختلافات اروپا و آمریکا خواهد شد.

**پرسش ۲۴:** ۵۴ نفر (۵۹/۴ درصد) تقویت روابط و مناسبات دوجانبه با کشورهای اروپایی در کامیابی ایران در بهره‌گیری از اختلافات اروپا و آمریکا را کم و خیلی کم ارزیابی کردند، ۱۲ نفر (۱۳/۲ درصد) در حد متوسط، ۱۹ نفر (۲۰/۹ درصد) زیاد و ۶ نفر (۶/۶ درصد) تقویت روابط و مناسبات دوجانبه با کشورهای اروپایی در کامیابی ایران در بهره‌گیری از اختلافات اروپا و آمریکا را بسیار زیاد می‌دانند.

**پرسش ۲۵:** ۳۱ نفر (۳۴/۱ درصد) از پاسخگویان معتقدند که تلاش برای برقراری نظام امنیت دسته‌جمعی باهدف حل اختلافات با کشورهای منطقه بسیار کم موجب تحقق منافع ایران در بهره‌گیری از اختلافات اروپا و آمریکا خواهد شد، همچنین ۱۶ نفر (۱۷/۶ درصد) کم، ۱۶ نفر (۱۷/۶ درصد) در حد متوسط، ۱۷ نفر (۱۸/۷ درصد) زیاد و ۱۱ نفر (۱۲/۱ درصد) خیلی زیاد معتقدند که تلاش برای برقراری نظام امنیت دسته‌جمعی باهدف حل اختلافات با کشورهای منطقه موجب تحقق منافع ایران در بهره‌گیری از اختلافات اروپا و آمریکا خواهد شد.

**پرسش ۲۶:** به نظر ۵۳ نفر (۴۱/۸ درصد) از پاسخگویان معتقدند که تقویت سازوکار مبادلات مالی با اروپا در چارچوب اینستکس و تغییر واحد مبادلات ارزی به یورو کم و خیلی کم موجب تحقق منافع ایران در بهره‌گیری از اختلافات اروپا و آمریکا خواهد شد، همچنین ۲۱ نفر (۲۳/۱ درصد) در حد متوسط، ۱۲ نفر (۱۳/۲ درصد) زیاد و ۵ نفر (۶/۶ درصد) تقویت سازوکار مبادلات مالی با اروپا در چارچوب اینستکس و تغییر واحد مبادلات ارزی به یورو در تحقق منافع ایران در بهره‌گیری از اختلافات اروپا و آمریکا را بسیار زیاد می‌دانند.

## آزمون نرمال بودن

در این مرحله از پژوهش برای بررسی پرسش‌های تحقیق سایر تحلیل‌ها ابتدا باید نرمال یا غیر نرمال بودن توزیع داده‌ها را مشخص نمود. در این پژوهش به منظور بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون کلموگوروف-اسمیرنوف استفاده می‌گردد. نتیجه این آزمون در جدول (۱) نشان داده شده است.

فرض ( $H_0$ ): توزیع متغیر نرمال است.

فرض ( $H_1$ ): توزیع متغیر نرمال نیست.

### جدول ۱- آزمون Kolmogorov-Smirnov

نتیجه	سطح معنی‌داری	بیشترین تفاوت‌ها			آماره k.s
		قدر مطلق	مثبت	منفی	
نرمال نیست	۰/۰۰۰	۰/۱۵۷	۰/۱۴۵	۰/۱۵۷	۰/۱۵۷

با توجه به جدول (۱) از آنجا که سطح معنی‌داری آزمون نرمال بودن توزیع داده‌های متغیر پژوهش (۰/۰۰۰) کمتر از ۰/۰۵ درصد است ( $\alpha = 0/05$  و  $0/05 > sig$ ) بنابراین فرض صفر رد می‌شود و توزیع داده‌ها متغیر نرمال نیست؛ بنابراین نمی‌توان برای بررسی فرضیه تحقیق از آزمون پارامتری t استفاده نمود. بر همین اساس برای بررسی فرضیه تحقیق از آزمون جایگزین ناپارامتریک  $\chi^2$  استفاده می‌شود.

## آزمون فرضیه تحقیق

فرض ( $H_0$ ): توزیع مقوله‌ها (کم، متوسط و زیاد) یکنواخت است.

فرض ( $H_1$ ): توزیع مقوله‌ها (کم، متوسط و زیاد) یکنواخت نیست.

جدول ۲- آزمون  $\chi^2$  فرضیه تحقیق

مقوله‌ها	فراوانی مشاهده شده	فراوانی مورد انتظار	باقیمانده
کم	۷۱	۳۰/۳	۴۰/۷
متوسط	۱۳	۳۰/۳	- ۱۷/۳
زیاد	۷	۳۰/۳	- ۲۳/۳
جمع	۹۱	۹۱	-
آماره $\chi^2$	درجه آزادی	سطح معناداری	
۸۲/۳۷۴	۲	۰/۰۰۰	

همان‌طور که در جدول (۲) مشاهده می‌کنید، نتایج آزمون نشان می‌دهد که با توجه به مقدار آمار ( $\chi^2 = 82.374$ ) سطح معناداری ( $\alpha = 0.05 > 0.000$ ) فرضیه صفر رد و عدم یکنواختی فراوانی مقوله‌ها (کم، متوسط و زیاد) پذیرفته می‌شود و تفاوت معناداری بین فراوانی مشاهده شده و فراوانی مورد انتظار وجود دارد. همچنین انتظار آن بود که در هر یک از مقوله‌ها به‌طور برابر (کم، متوسط و کم) ۳۰/۳ نفر پاسخگو وجود داشته باشد؛ ولی باقیمانده‌ها نشان می‌دهد که در مقوله کم ۴۰/۷ نفر بیش از فراوانی مورد انتظار این گزینه‌ها انتخاب کردند و این مقدار برای مقوله متوسط برابر با ۱۷/۳- و برای مقوله زیاد برابر با ۲۳/۳- است. در انتها با توجه به فراوانی مقوله کم نسبت به مقوله‌های دیگر می‌توان با توجه به برداشت رهبران اروپایی و آمریکایی از یکدیگر و نیز درک آنان از جایگاه اروپا و امریکا در نظام بین‌الملل، این نتیجه را گرفت که جمهوری اسلامی ایران به‌رغم اختلافات امریکا و اروپا در دوران ترامپ نتوانسته فرصتی در جهت تأمین منافع راهبردی خود فراهم آورد.

## جمع‌بندی

در حال حاضر، اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها تهدید را به همان شکلی که قبلاً می‌دیدند، نمی‌بینند. در بین تمامی مسائلی که موجب اختلاف میان اروپا و آمریکا شده است مسئله برنامه هسته‌ای ایران موجب ایجاد شکاف آشکار شد. برجام مهم‌ترین دستاورد اتحادیه اروپا در قالب چندجانبه‌گرایی بود درحالی‌که با خروج ترامپ از توافق برجام تلاش آمریکا برای نمایش قدرت و یک‌جانبه‌گرایی بود. برخی معتقد بودند که ایران می‌تواند از این فضای اختلاف استفاده کند و منافع خود را تأمین کند البته این تنها موضوع اختلاف و اروپا نیست بلکه خروج آمریکا از افغانستان به سبب آنکه امنیت اروپا و اعضای ناتو را تهدید می‌کند و بیم رشد اقدامات تروریستی را در خلأ آمریکا وجود دارد از موضوعات اختلاف طرفین است، (۷۱/۴ درصد) از پاسخگویان معتقدند جمهوری اسلامی ایران بسیار کم توانسته از وجود اختلاف اروپا و آمریکا در زمینه تعهدات آمریکا در قبال تأمین امنیت اعضای ناتو بهره بگیرد، خروج از پیمان زیست‌محیطی پاریس و برجام که برخلاف موافقت‌نامه‌های چندجانبه و بین‌المللی است و ۶۵/۹ درصد پاسخ‌ها در زمینه بهره‌برداری ایران از خروج آمریکا از تعهدات بین‌المللی مثل معاهده پاریس و به ترتیب ۴۷/۳ درصد و ۶۴/۸ درصد از اختلافات اروپا و آمریکا و همچنین تحریم‌های یک‌جانبه خیلی کم ارزیابی کرده‌اند اثر تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا نه تنها شامل ایران بلکه شامل سایر کشورها نیز می‌شود و این اقدام تبعاتی در بعد بین‌المللی دارد که موجب تضرر شرکت‌های اروپایی نیز می‌شود ولی ۸۲/۴ درصد پرسش‌شوندگان بهره‌گیری جمهوری اسلامی ایران از وجود اختلاف اروپا و آمریکا در زمینه تضرر شرکت‌های اروپایی از جنگ تجاری آمریکا و چین را خیلی کم و کم ارزیابی کردند، مسئله برگزیت و حمایت آمریکا از بریتانیا و واکنش منفی اتحادیه به این موضع‌گیری بهره‌گیری ایران از اختلاف آمریکا و اروپا را تنها ۶/۶ برگزیت مثبت ارزیابی کردند، در موضوع حمایت بی‌قیدوشرط از عربستان سعودی و سرپوش گذاشتن بر جنایات فرامرزی و حقوق بشر داخلی توسط ۸۳/۵ درصد از پاسخگویان بهره‌گیری ایران از

وجود اختلاف اروپا و آمریکا را کم و خیلی کم ارزیابی کردند. در موضوع فرا آتلانتیک گرایي و ناتو که موجب می‌شود تا اتحادیه اروپا با بدبینی به آمریکا حتی به سراغ تأمین امنیت خود بدون نیاز به آمریکا باشد از نظر پرسش‌شوندگان ۶۴/۸ ایران از اختلافات آن‌ها بهره‌ای کسب نکرده است، روابط روسیه و اتحادیه اروپا که برخلاف روابط آمریکا و روسیه است و اتحادیه اروپا به سبب ملاحظات ژئوپلیتیکی و انرژی رویه متفاوتی از آمریکا در پیش می‌گیرد از نظر ۵۴/۹ پرسش‌شوندگان ایران از زمینه گسترش روابط روسیه و اتحادیه اروپا بهره نبرده است، در خصوص سیاست یک‌جانبه‌گرایی آمریکا نیز که بر روابط اروپا با آمریکا تأثیرگذار است و موجب نارضایتی اروپاییان از رفتار آمریکا شده است چراکه اروپاییان به چندجانبه‌گرایی و ایفای نقش در عرصه بین‌المللی اعتقاد دارند در حالی که آمریکایی‌ها در تلاش هستند تا سیاست‌ها و نظرات خود را دیکته کنند ۵۴/۹ درصد معتقد هستند که ایران خیلی کم توانسته از وجود اختلاف اروپا و آمریکا در زمینه نگرش به چندجانبه‌گرایی بهره بگیرد... بدین ترتیب با اینکه این عوامل می‌توانست امکان آن را به ایران بدهد که بتواند تأمین منافع ملی خود را از این شرایط و اگرایی به دست آورد اما همان‌طور که نشان داده شد عملاً رخ نداد. مهم‌ترین دلیل آن را می‌توان هم در سیاست‌های ایران جستجو کرد و هم اینکه عوامل دیگری چون اتفاق‌نظر اروپا و آمریکا بر ایجاد محدودیت‌ها در قبال ایران این فرصت را فراهم نساخت. به‌طور کلی سیاست افزایش فشار تحریم‌ها بر ایران برای رسیدن به یک توافق جدید بعد از برجام بود ولی در این مسیر اروپا از ابتدا به‌عنوان یک هویت مستقل از آمریکا تبعیت نکرد هرچند خود نیز عملاً در برجام از ترس تهدیدهای آمریکا اقدامی نیز انجام نداد؛ اما اشتراک نظر هر دو طرف و برداشت رهبران آن‌ها از یکدیگر و نیز درک آنان از جایگاه اروپا و آمریکا در نظام بین‌الملل مبنی بر اینکه باید ایران را به نحوی مهار کرده و از بعد فعالیت منطقه‌ای و توانمندی موشکی محدود کرد یک نقطه اشتراکی شد که مسئله بهره‌برداری ایران از شرایط و اگرایی را دچار مشکل کرد.

بنابراین می‌توان گفت دلیل همسویی سیاست‌های امریکای ترامپ و اروپا در مورد ایران آن است که هر دو بازیگر، جمهوری اسلامی را در منطقه غرب آسیا تنها بازیگری می‌دانند که می‌تواند به قدرتی بزرگ بدل شود؛ ایران به‌عنوان یک قدرت تمدنی، از پتانسیل ژئوپلیتیک، فرهنگی و تاریخی برای احیاء قدرت سنتی خود برخوردار است. پس مهم‌ترین استراتژی برای جلوگیری از قدرت گرفتن ایران که منافع امریکا و اروپا را تهدید نکند، حفظ فشار اقتصادی، جنگ تبلیغاتی، موازنه نظامی و تضعیف مستمر ایران است. هدف آن‌ها ایران ضعیف و درگیر منازعات داخلی و منطقه‌ای است؛ بنابراین علت ناکامی ایران در بهره‌گیری از اختلافات رویکردی اروپا و امریکا آن است که این دو بازیگر در پروژه بزرگ‌تر مهار ایران راهبرد مشترک دارند و تلاش می‌کنند تا از هسته‌ای شدن ایران در وهله نخست جلوگیری کنند و سپس سعی در بهانه‌ قرار دادن برنامه هسته‌ای برای تضعیف ایران نمایند.

## منابع

- ایزدی، پیروز (۱۳۹۵)، ترامپ و اروپا: روابط فرا آتلانتیکی، گزارش شماره ۲۵۷، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، مرکز تحقیقات راهبردی، قابل دسترسی در: [http://www.csr.ir/files/fa/news/1395/11/17/1034\\_881.pdf](http://www.csr.ir/files/fa/news/1395/11/17/1034_881.pdf)
- بزرگمهری، مجید (۱۳۸۹)، سرانجام حضور ناتو در افغانستان؛ برقراری امنیت و یا گسترش ناامنی و تروریسم، فصلنامه مطالعات سیاسی سال سوم، شماره ۱۰، زمستان ۱۳۸۹، صص ۲۹-۵۴
- بهدار خانی، محمدرضا؛ موسوی، سید محمدرضا؛ چهر آزاد، سعید (۱۳۹۸)، مقایسه سیاست خارجی عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه، فصلنامه دانش تفسیر سیاسی، سال اول، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۸، صص ۳۵-۷۰
- تابع افشار، ساناز و برزگر، کیهان (۱۳۹۶)، رئالیسم نوکلاسیک و سیاست خارجی آمریکا؛ تحلیلی نظری بر فهم سیاست خارجی ایالات متحده، فصلنامه رهیافت سیاسی و بین‌المللی، سال هشتم، شماره ۱ (۴۷ پیاپی)، صص ۴۲-۷۰.
- دهشیری، محمدرضا؛ امامی، زهرا (۱۳۹۹)، عوامل همگرایی و واگرایی در روابط و اتحادیه اروپا (۲۰۲۰ - ۲۰۰۸)، فصلنامه دانش تفسیر سیاسی، سال دوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۹۹، صص ۳۲-۵۵
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۰)، واقع‌گرایی نوکلاسیک و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و پنجم، شماره ۲، صص ۲۹۴-۲۷۵.
- رستمی، فرزاد؛ احمدیان، قدرت؛ کریمی، حمیدرضا (۱۳۹۸). تحلیلی بر مناسبات راهبردی اتحادیه اروپا و آمریکا در پرتو توافق هسته‌ای ایران (سناریوهای پیش رو)، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ۷، شماره ۲۸، بهار ۱۳۹۸، صص ۲۳۹-۲۶۵

عسگر خانی، ابو محمد و حق‌شناس، محمدرضا (۱۳۹۰)، تهدیدهای منطقه‌ای و راهبرد

تسلیماتی امنیتی ج ا ایران، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال نهم، شماره ۳۳

قامت، جعفر (۱۳۸۹)، همگرایی و واگرایی اتحادیه اروپا و آمریکا نسبت به ج. ا. ایران،

فصلنامه دانشنامه، پاییز ۱۳۸۹، شماره ۷۸، صص ۱۶۸-۱۴۵.

قوام، عبدالعلی (۱۳۹۰)، اصول سیاست خارجی سیاست بین‌الملل، نشر سمت.

کریمی فرد، حسین (۱۳۹۷)، سیاست خارجی ترامپ و واقعیت‌های نظام بین‌الملل، فصلنامه

مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۸، پاییز ۱۳۹۷، صص

۳۰۲-۲۸۵.

محمدی نودهکی، مجتبی؛ متقی، ابراهیم؛ اصغری، محمدرضا (۱۳۹۵)، واگرایی و

همگرایی در روابط اتحادیه اروپا با آمریکا در موضوعات مهم جهانی، فصلنامه سپهر

سیاست، سال سوم، شماره ۷، بهار ۱۳۹۵، صص ۱۴۹-۱۱۵

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۶)، مبانی نظری تبیین و تحلیل سیاست خارجی، تهران: سمت.

موسوی، سید قائم؛ اسماعیلی، فائزه؛ کریمی، فائزه (۱۳۹۸)، بررسی جایگاه عربستان

سعودی در سیاست خارجی ترامپ، فصلنامه دانش تفسیر سیاسی، سال اول، شماره ۱،

پاییز ۱۳۹۸، صص ۱۵۰-۱۲۵

Adebahr, Cornelius, (2017). "Trump, The EU, and Iran Policy Multiple Pathways ahead", Carnegie Endowment for International Peace, available at: [www.  
http://carnegieeurope.eu/2017/01/31](http://carnegieeurope.eu/2017/01/31)

Dyer, Geoff/Sevastopulo, Demetri/Lynch, David J. (2016): UK-US Special Relationship Shaky Following Brexit Vote, Financial Times, 26 June 2016, available at: <https://www.ft.com/content/0c71dc88-3b8b-11e6-9f2c-36b487ebd80a>

EU External Action (2018), 'Speech by High Representative/Vice-President Federica Mogherini at the European Parliament plenary session on peace prospects for the Korean Peninsula in the light of recent developments', 13 March 2018, [https://eeas.europa.eu/  
headquarters/headquarters-homepage/41269/speech-  
high-representativevice-president-federica-mogherini-european-  
parliamentplenary\\_en](https://eeas.europa.eu/headquarters/headquarters-homepage/41269/speech-high-representativevice-president-federica-mogherini-european-parliamentplenary_en), 13 March 2018

Hoffman, Frank (2018). Ministry of Defence: Global Strategic Trends The Future Starts Today, Sixth Edition.



- Lewis, Patricia & Parakilas, Jacob & Schneider-Petsinger, Marianne & Smart, Christopher & Rathke, Jeffrey & Ruy, Donatienne (2018). *The Future of the United States and Europe An Irreplaceable Partnershi*, The Royal Institute of International Affairs, 25 May, page 1-51.
- Prifti, Bledar (2017), *US Foreign Policy in the Middle East: The Case for Continuity*: Springer.
- Reuters (2018), 'Forget Nixing Iran Deal, For Now DC Just Wants Partners To Agree To Fix It', 18 February 2018, <http://www.jpost.com/Middle-East/Iran-News/Forget-nixing-Iran-deal-for-now-DC-just-wants-partners-to-agree-to-fix-it-542943>
- Shweller, Randall L (2002). in: Peter D. Feaver, et al(2000)., "Correspondence; Brother, Can You Spare a Paradigm? (Or Was Anybody Ever a Realist?)." *International Security*, 25(1)., 165–193(174-178).
- Special Report (2016). *Future Policy Organization Rethinking our world*. Available at: <https://fpoglobal.com/control/wp-content/uploads/2016/11/Trump-Foreign-Policy-Challenges.pdf>.
- Taliaferro, Jeffrey W. (2000- 2001). *Security Seeking Under Anarchy: Defensive Realism Revisited*, *International Security*, 25(3), 128-161.
- Wohlforth, William C(1987)., "The Perception of Power: Russia in the Pre-1914 Balance", *World Politics*, 39(3)., 353-381.